

برنامه های نوسازی ایران در تلاطم رقابت استعمارگران

۱ آذر ۱۴۰۱ ساعت ۱۵:۱۱

مجالس اول تا سوم مشروطه که دستاورد انقلاب مشروطه و عرصه مطرح شدن نخبگان در مسیر سازندگی کشور بودند هر سه به نوعی با دخالت بیگانگان تعطیل شدند. مجلس اول به دستور محمدعلی شاه مستبد و توسط نیروی قزاق روسی به توپ بسته شد. مجلس دوم به خاطر اولتیماتوم روسیه به ایران مبنی بر اخراج مورگان شوستر امریکایی به تعطیلی کشیده شد. در جنگ جهانی اول نیز قوای روسیه و انگلیس ایران را اشغال نمودند و عده ای از نمایندگان مجلس سوم برای تشکیل کمیته دفاع ملی به قم عزیمت کردند. بنابراین مجلس در تهران از اکثریت افتاد و تعطیل شد...

در قرن نوزدهم میلادی رقابتهای استعماری کشورهای روسیه، انگلستان و فرانسه و تلاش آنها برای دستیابی به مستعمرات جدید و مناطق استراتژیک، هجوم همه جانبه این کشورها به ایران را در پی داشت. در دوره قاجار ایران عرصه تاخت و تاز استعمارگران شد و تحولات سیاسی و اجتماعی کشور ما، به شدت با منافع استعماری این کشورها به ویژه روسیه و انگلستان گره خورد. روسها، طی جنگهای طولانی با ایران که منجر به انعقاد دو قرارداد گلستان و ترکمنچای شده بود، زمینه های نفوذ و دخالت خود در این کشور را فراهم کردند. تعهد روسها برای حمایت از ولایتعهدی عباس میرزا و به قدرت رساندن فرزندان فتحعلی شاه که در این دو قرارداد مورد تاکید قرار گرفته بود عملاً مجوزی بود برای دخالت در امور سیاسی ایران. تشکیل نیروی نظامی قزاق توسط روسها در ایران نیز یکی از ابزارهای دخالت آنان در امور داخلی کشور ما بود. این نیرو در برخی از حوادث مهم سیاسی نظیر به توپ بسته شدن اولین مجلس مشروطه به ایفای نقش پرداخته است. انگلستان نیز با انعقاد قراردادهای نفتی، نفوذ در میان درباریان و ابزارهایی از این قبیل؛ بر پویش تحولات سیاسی ایران به نحو چشمگیری تاثیر گذاشت. حمایت از رجال سیاسی محافظه کار و واپسگرا، کارشکنی در برنامه های نخبگان نوساز و توطئه چینی علیه آنها (نظیر آنچه که در مورد امیر کبیر اتفاق افتاد) سلطه بر بازارهای داخلی و تضعیف توان اقتصادی کشور، سرکوب حرکت های مردمی و.... بخشی از اقدامات استعمارگران است که به صورت مستقیم و غیرمستقیم باعث ناکامی نخبگان نوساز در روند توسعه کشور گردیده است.

پیوند دیرینه درباریان محافظه کار با قدرتهای استعماری

پیوند میان درباریان و نیروهای اجتماعی واپسگرا و قدرتهای استعماری در طول قرن نوزدهم به صورت یکی از مهمترین موانع بر سر راه بالندگی نیروهای مترقی و پیشرفت و توسعه جامعه ایران قرار گرفت. ۱ در دوره قاجار نخبگان ضد توسعه عمدتاً با حمایت روسیه و انگلستان به قدرت می رسیدند و نخبگان توانمند و افراد اصلاح طلب عموماً با مخالفت کارشکنی و توطئه های سفارتخانه های این دو کشور مواجه می شدند. حمایت از نخبگان و درباریان محافظه کار و جذب آنها از طریق راههایی مانند پرداخت رشوه

یکی از مهم ترین ابزارهای سلطه بر منابع ایران و تامین منافع استعمارگران در ایران بود. درچنین شرایطی چرخه طبیعی نخبگان و جایگزینی آنها بی معنی بود و افراد شایسته فرصت ورود به جمع نخبگان حاکم را نمی یافتند. ضمن آنکه نخبگان نوساز که توانستند وارد طبقه حاکم شوند نیز از صحنه خارج می شدند، زیرا در رقابت میان این دوگروه، نخبگان محافظه کار از پشتیبانی قدرتهای خارجی برخوردار بودند، اما نخبگان اصلاح طلب فاقد پشتوانه بوده و به آسانی حذف می شدند. از طرف دیگر از آنجا که معمولاً پیشرفت و توسعه کشور ایران و استقلال این کشور، منافع استعماری را به خطر می انداخت، لذا نخبگان فاسد و وابسته ماموریت داشتند تا به هنگام رویارویی منافع ملی ایران با منافع بیگانگان در روند توسعه از توسعه کشور چشم پوشند.^۲

میرزا آقاخان نوری که بعد از امیرکبیر با حمایت انگلستان به صدارت رسید و حامی منافع آن کشور بود با هر نوع عملی که باعث بیداری مردم شود مخالف بود. اجازه انتشار کتاب را نمی داد. کتابهایی را که به دستور امیرکبیر ترجمه شده بود، سوزاند و حتی سفرنامه سفیر ایران در روسیه را مجال تکثیر نداد؛ به جهت آنکه برای مردم فرق اوضاع ایران و اروپا درست معلوم نشود. دخالت مستقیم در امور ایران مانند اشغال نظامی، تهدید و سرکوب نهادهایی مانند مجلس شورای ملی نیز، راه نخبگان را در روند نوسازی ایران مسدود کرده و آنان را با ناکامی مواجه کرده است. مجالس اول تا سوم مشروطه که دستاورد انقلاب مشروطه و عرصه مطرح شدن نخبگان در مسیر سازندگی کشور بودند هر سه به نوعی با دخالت بیگانگان تعطیل شدند. مجلس اول به دستور محمدعلی شاه مستبد و توسط نیروی قزاق روسی به توپ بسته شد. مجلس دوم به خاطر اولتیماتوم روسیه به ایران مبنی بر اخراج مورگان شوستر امریکایی به تعطیلی کشیده شد. در جنگ جهانی اول نیز قوای روسیه و انگلیس ایران را اشغال نمودند و عده ای از نمایندگان مجلس سوم برای تشکیل کمیته دفاع ملی به قم عزیمت کردند. بنابراین مجلس در تهران از اکثریت افتاد و تعطیل شد. اهمیت این دخالتها هنگامی بهتر آشکار می شود که به عملکرد مجالس دوره های اول تا سوم در مقایسه با مجالس بعدی توجه نماییم. علی رغم همه کاستی ها و ضعفهایی که در عملکرد این مجالس دیده می شود و با وجود ساختار استبدادی عصر حکومت محمدعلی شاه، در نخستین سالهای مجلس شورای ملی گامهای مهمی در جهت توسعه سیاسی برداشته شد. قانون انجمنهای ایالتی و ولایتی مشتمل بر ۲۲ ماده در خرداد ۱۲۸۶ تصویب شد. همچنین در تاریخ ۱۸ بهمن ۱۲۸۶ قانون آزادی مطبوعات مشتمل بر ۵۳ ماده به تصویب رسید. اما این مجلس که ثمره تلاشهای چندین ساله مردم روحانیت و روشنفکران بود با دخالت بیگانگان تعطیل شد.^۳

دخالتهای خارجی و شکل گیری طبقه تاجر - زمیندار

یکی از ابعاد تاثیرگذاری بیگانگان بر توسعه ایران، تضعیف بینه اقتصادی کشور، از راه سلطه بر بازارهای ایران و غارت ثروت کشور بود. از نتایج مهم تسلط کالا و سرمایه خارجی بر بازار ایران، حرکت سرمایه تجاری داخلی به سوی زمینداری بود. عدم امکان سرمایه گذاری در صنعت و محدودیت دایره فعالیت در بخش توزیع به علت فشار کالا و سرمایه خارجی و امکان صدور مواد خام کشاورزی به بازارهای جهانی برای کسب سود موجب تشکیل قشر تاجر - زمیندار در ایران شد که به تدریج بخشی از طبقه حاکم وابسته به استعمار شد.^۴ این امر ترکیب طبقاتی نخبگان را به سود طبقه بالا و به زیان طبقه متوسط تغییر داد و به یکی از عامل عمده توسعه نیافتگی ایران تبدیل شد. همچنین ضعف بینه اقتصادی کشور، به عنوان پدیده ای که تا حدی ناشی از استعمار و غارت ثروت کشور توسط بیگانگان بود، نخبگان نوساز را از پشتوانه مالی برای اجرای برنامه های نوسازانه خود محروم نمود. در ماجرای مورگان شوستر، ایران جهت بهبود وضع مالیاتها و سروسامان دادن به امور مالیاتی، شانزده کارشناس مالی امریکایی را به

ریاست مورگان شوستر استخدام نمود. شوستر که بعد از مدتی خزانه دار کل ایران شده بود در برابر روسیه و انگلستان موضوع گیری نمود و عناصر مترقی مجلس را به سمت خود جلب نمود. از سوی دیگر بسیاری از شاهزادگان به مخالفت با وی پرداختند. روسیه با پیشنهاد شوستر مبنی بر تشکیل پلیس مستقل خزانه داری شوستر درگیر شد و سرانجام روسیه خواستار عزل و اخراج شوستر گردید. مجلس یکپارچه با این پیشنهاد روسیه مخالفت نمود اما کابینه تمایل داشت اولیتماتوم را بپذیرد. ۵ با نزدیک شدن نیروهای روسیه به تهران و بالا گرفتن بحران، شورای نیابت سلطنت مجلس را منحل نمود و اولیتماتوم پذیرفته شد. و بدین ترتیب به تمامی تلاشهای نخبگان نوساز پایان داده شده تا کماکان از توسعه مستقل و غیروابسته به غرب بازماند.

پی نوشتها

۱. علیرضا ازغندی، ناکار آمدی نخبگان سیاسی ایران بین دو انقلاب، تهران، نشر قومس، ۱۳۷۶، ص ۴۳
۲. حسین شیخ زاده، نخبگان و توسعه ایران، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۴، ص ۵۲
۳. زهرا شجیعی، نمایندگان مجلس شورای ملی در بیست و یک دوره قانونگذاری، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ۱۳۴۴، ص ۱۳۶
۴. رواسانی، دولت و حکومت در ایران، تهران، نشر شمع، بی نا، ص ۶۵-۶۶
۵. جان فوران، مقاومت شکننده، ترجمه احمد تدین، تهران، موسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۹، صص ۲۶۶-۲۶۷

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۴۸۹۹۴/ایران-نوسازی-های-برنامه/>